

سید عبدالامیر نبوی\*

پریسا مصلح\*\*

تاریخ دریافت: ۱۳۹۱/۷/۱۰

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۱/۹/۸

### چکیده

پس از آنکه خیزش‌های مردمی، کشورهای عربی را از غربی‌ترین نقاط شمال آفریقا تا بعضی کشورهای جنوب خلیج فارس در بر گرفت، سوالات بسیاری در مورد وقایع پس از انقلاب و سرنوشت و آینده مردم و حکومت‌های این کشورها در اذهان متبلور شد؛ مواردی همچون نوع حکومت‌ها، اوضاع اقتصادی و سیاسی، موضوع حقوق بشر و در صدر آنها آینده دموکراسی، به گونه‌ای که شاید تمرکز بر آینده دموکراسی در این کشورها به صورتی جامع و فراگیر باقی دغدغه‌ها را پوشش می‌داد. روشن است در بررسی آینده دموکراسی این کشورهای عربی و به ویژه کشور مصر، متغیرهای مختلفی باید مورد توجه قرار گیرد. به عبارتی فرایند دموکراسی و روند رشد آن در هر کشور خاص بدون بررسی عوامل متعددی چون سابقه تاریخی، جغرافیایی و منابع اقتصادی، ساختار قوای سه گانه، نقش احزاب و گروه‌های سیاسی از طیف‌های مختلف اسلام‌گرا و سکولار میسر نخواهد بود. در مقاله حاضر، سعی شده است ضمن پی‌گیری آخرین تحولات سیاسی مصر جدید، به بررسی نقش احزاب سیاسی این کشور در پی‌ریزی آینده آن بپردازیم.

واژگان کلیدی: مصر، احزاب سیاسی، دموکراسی، اخوان المسلمین، جنبش جوانان شش آوریل

nabavisa@yahoo.com

\* استادیار پژوهشکده مطالعات فرهنگی و اجتماعی

\*\* کارشناس ارشد روابط بین‌الملل از دانشگاه آزاد اسلامی - واحد کرج

فصلنامه مطالعات خاورمیانه، سال نوزدهم، شماره چهارم، زمستان ۱۳۹۱، صص ۱۴۴ - ۱۱۹.

## مقدمه

مصر یکی از بزرگ‌ترین کشورهای اسلامی و پرجمعیت‌ترین کشور عربی است. این کشور به لحاظ موقعیت طبیعی، در منتهی‌الیه شمال شرقی قاره آفریقا واقع شده و از شمال به دریای مدیترانه، از شمال شرق به فلسطین اشغالی، از شرق به دریای سرخ و خلیج سوئز، از جنوب به سودان و از غرب به لیبی منتهی می‌شود.<sup>۱</sup> این کشور قاره آفریقا را به قاره آسیا پیوند می‌دهد. صحرای ناهموار سینا مصر را به خاورمیانه و منطقه عربی آن مربوط می‌کند.<sup>۲</sup> این ویژگی‌های جغرافیایی از روزگاران باستان به مصر موقعیت ممتاز بخشیده و آن را به‌عنوان پل میان فرهنگ‌ها و تمدن‌های گوناگون شاخص ساخته و به‌همین خاطر است که مصر در میان دنیای عرب، قاره آفریقا و نیز در جهان اسلام نقش محوری داشته است. با توجه به اهمیت تحولات دو سال گذشته در مصر، تلاش مقاله حاضر آن است که به بررسی نقش احزاب سیاسی این کشور در آینده مصر توجه شود. بر این اساس، به‌رغم پیدایی زمینه نسبتاً مناسب برای فعالیت آزادانه احزاب و گروه‌های سیاسی، رهایی از وضعیت اقتدارگرایانه سابق ساده و سهل نخواهد بود. لذا دموکراسی در مصر همچنان با چالش‌های مهمی روبه‌رو است. در مقاله حاضر، ضمن مروری اجمالی بر مفاهیم اساسی و مباحث تئوریک درباره احزاب، به بررسی نقش گروه‌های مختلف مصری در شرایط جدید خواهیم پرداخت.

هرم سیاسی مصر از سه قوه مجریه، مقننه و قضاییه تشکیل شده است. در میان قوای سه‌گانه مصر، قوه مجریه بنابر دلایلی در راس هرم سیاسی این کشور قرار می‌گیرد که عبارت است از: ۱. توانایی نفوذ و اثرگذاری ریاست قوه مجریه در کار قوه مقننه؛ ۲. توانایی اثرگذاری قوه مجریه در امور قضایی؛ ۳. نقش و کارکرد مهم این قوه در پروسه تصمیم‌گیری‌های راهبردی همانند جنگ، صلح و انعقاد پیمان‌های نظامی با کشورهای دیگر. رژیم سیاسی مصر، جمهوری است که حدود نیم قرن از استقرار آن می‌گذرد.<sup>۳</sup>

## بررسی نقش احزاب و نظام حزبی

### الف. حزب

در مورد حزب هیچ‌گونه تعریفی که جامعیت آن مورد قبول تمام طبقات باشد، وجود ندارد. واقعیت آن است که هر حزبی مدافع منافع طبقه معینی بوده و تئوری حزب را بر مبنای دفاع از منافع آن طبقه تنظیم می‌نماید. در زبان انگلیسی واژه party به معنی حزب از part به معنای جزو و قسمت برگرفته شده است و به شکاف یا مخالفت در درون تشکیلات سیاسی اشاره دارد.<sup>۴</sup> از نظر ارنست رو، حزب مجمع مردان و زنانی است که دارای نظریات و عقاید مشابهی هستند و برای پیش بردن این نظریات، روش خود را بر مبنای قانون تنظیم می‌کنند.<sup>۵</sup> اما از نظر ماک ایور، حزب یک ارگانیسم متحد است که با پشتیبانی از اصول یا سیاست‌های معینی، حکومت را از طریق وسایل قانونی به‌دست می‌آورد. چنانچه ملاحظه می‌شود، تعاریف بالا بر یکدیگر منطبق نیستند و هر یک حاوی نگرشی خاص از یک طبقه نسبت به حزب می‌باشند و شاید هیچ‌کدام هم تعریفی جامع از حزب نباشند.<sup>۶</sup>

در مجموع، در تعریف حزب سیاسی دو نظریه غالب وجود دارد: یکی بر مبنای درک لیبرالیستی که همبستگی ایدئولوژیک حزب را پایه قلمداد می‌کند؛ و دیگری درک مارکسیستی که حزب را نمودار یک طبقه اجتماعی می‌شمارد که در آن وضع اقتصادی، شغل و تحصیلات شخص در تمایلات سیاسی‌اش عامل اساسی بوده و ایدئولوژی خود زاینده وضع اجتماعی افراد است.<sup>۷</sup>

حزب‌پژوهان معمولاً از سه جنبه بین احزاب تمیز قائل می‌شوند:<sup>۸</sup> ۱. حزب به‌عنوان تشکیلاتی شامل مقامات دولتی (حزب درونی حکومت)؛ ۲. حزب به‌عنوان سازمانی فراپارلمانی که بیشتر به قصد رقابت در انتخابات سازمان یافته است (تشکیلات حزب)؛ و ۳. حزب به‌عنوان مجموعه‌ای از رای‌دهندگان، اعضا و فعالان (حزب در میان رای‌دهندگان). در دیدگاه اول، نخستین احزاب سیاسی به‌صورت گروه‌ها و دسته‌های سازمان‌یافته‌ای در پارلمان یا قوه اجرایی ظاهر شدند. در بسیاری از احزابی که چنین سابقه‌ای داشته‌اند، هنوز هم بخش پارلمانی حزب بخش مسلط و عمده آن است. احزاب پارلمانی به‌عنوان وسیله‌ای برای سازمان‌دهی به‌فعالیت

نمایندگان و ایجاد مجاری ارتباطی و اطلاعاتی عمل می‌کردند. کار ویژه حزب در حوزه اجرایی، تصمیم‌گیری درباره سیاست‌های حکومت و اجرای آن سیاست‌ها و استخدام نیروهای سیاسی است. قوه اجرایی در حکومت دموکراسی بدون حضور احزاب متصور نیست. احزاب سیاسی به‌نحو فزاینده‌ای جانشین پارلمان‌ها و کابینه‌های دولت در امر سیاست‌گذاری می‌شوند. برنامه‌ها و سیاست‌های حکومتی معمولاً به وسیله کنوانسیون‌های حزبی تعیین می‌شوند. میزان همبستگی اعضای یک حزب در سطح پارلمان در نظام‌های گوناگون متفاوت است.<sup>۹</sup>

## ب. نظام حزبی

یک یا چند حزب سیاسی درون یک کشور که در مبارزات انتخاباتی، تشکیل مجالس، قانون‌گذاری و نظارت بر بخش اجرایی حکومت مشارکت می‌کنند، نظام حزبی آن کشور را تشکیل می‌دهند. نظام حزبی تجلی سازمان‌هایی مردمی هستند که می‌کوشند خواست‌های خود را به حاکمان نظام‌های دموکراتیک مبتنی بر نمایندگی تحمیل کنند. نظام‌های حزبی همچنین منعکس‌کننده ویژگی‌ها و توانایی‌های نهادهایی هستند که چنان خواست‌هایی در آنها مطرح می‌شوند. چندین ویژگی در طبقه‌بندی نظام‌های حزبی موثرند؛ از جمله، تعداد احزاب سیاسی، میزان بزرگی احزاب گوناگون بنابر توزیع آنها در میان رای‌دهندگان در مجامع سیاسی مانند مجلس قانون‌گذاری، تعداد موضوعات یا زمینه‌های سیاست‌گذاری که احزاب بر سر آنها با هم رقابت می‌کنند، اختلاف یا شکاف‌های اجتماعی و سیاسی تجلی یافته در نظام‌های حزبی و میزان ثبات الگوهای رای‌گیری. موضوعات قابل توجه دیگر عبارتند از: سطح کشمکش و همکاری میان احزاب سیاسی، شکل حکومت و خط‌مشی عمومی و نتایج و آثار آنها برای ثبات دموکراسی.<sup>۱۰</sup>

رقابت میان احزاب به‌روشنی بر صورت‌بندی نظام حزبی تأثیر می‌گذارد، درحالی که تعداد گروه‌بندی‌های سیاسی منعکس‌کننده ویژگی‌های اجتماعی-اقتصادی پشتیبان احزاب است، بهترین تحلیل گستره‌های موضوعی از طریق بررسی بیانیه‌ها و اظهارات رسمی احزاب درباره خط‌مشی آنها مانند برنامه‌های انتخاباتی صورت می‌گیرد. تحقیق درباره محتوای برنامه‌های انتخاباتی احزاب، نشان می‌دهد در برخی از کشورها این برنامه‌ها به‌طور عمده معطوف به مساله

مداخله دولت در اقتصاد، کنترل تورم، وضع مالیات و غیره است که موجب تشکیل طیف احزاب راست و چپ به شیوه قدیمی می‌شود. در کشورهای دیگری که سنت‌های مذهبی نیرومند وجود دارند، صورت‌بندی نظام حزبی به‌طبیع متفاوت خواهد بود. ظهور مسائل تازه‌ای مثل حمایت از حقوق زنان و اقلیت، آلودگی محیط زیست، مهاجرت‌های بین‌المللی و غیره بر تغییر در مرزبندی نظام‌های حزبی اثرگذار است.<sup>۱۱</sup>

### ج. احزاب دموکراسی

حزب‌پژوهان عموماً بر پیوند احزاب با دموکراسی تأکید کرده‌اند. از نظر آنان دموکراسی اصولاً نظامی است که در آن احزاب با یکدیگر به رقابت می‌پردازند. در واقع می‌توان گفت وجه بارز دموکراسی، وجود فضاهای انتخاباتی رقابت‌آمیز است که در آنها احزاب سیاسی گزینه‌هایی را پیش روی رای‌دهندگان قرار می‌دهند. هرچند فضای رقابتی و کثرت‌گرایی حزبی می‌تواند وجوه غالبی برای وجود دموکراسی باشد، عادلانه بودن آن فضا و تسهیم قدرت در آن بین اقلیت و اکثریت‌های حزبی دلیل دیگری بر دموکراسی‌تر بودن نظام مورد تعریف است. مهم‌ترین فعالیت احزاب در زمینه انتخابات و کسب آرا صورت می‌گیرد. افراد فعال از نظر سیاسی معمولاً برای خود هویت حزبی قائل می‌شوند و نسبت به حزب خاصی تعلق خاطر و وابستگی پیدا می‌کنند و همین تعلق و وابستگی بر رفتار انتخاباتی و رای افراد تأثیر تعیین‌کننده‌ای دارد.<sup>۱۲</sup>

حس رقابتی که احزاب در دموکراسی پدید می‌آورند، به نوعی این نظام را به یک نقد درونی مستمر از خود وادار می‌کند، به‌گونه‌ای که در هر فضای خاص جغرافیایی و سیاسی بتواند مولد بیشترین رضایت برای حداکثر مردم موجود در نظام سیاسی باشد. اشکال مختلفی که امروز از دموکراسی در فضای فکری و عملی جامعه بشری مطرح شده‌اند، هر یک به‌نوعی در به‌ثمر رسیدن ایده‌آل‌های دموکراتیک کوشیده‌اند، اما آنچه به‌عنوان خصوصیت مشترک و بارز همه این شکل‌های متنوع بیشتر جلب نظر می‌کند، وجود احزاب مختلفی است که باعث تدوام بدون وقفه تفکر دموکراتیک و به‌عنوان مانعی در برابر هر نوع استبداد تجلی یافته‌اند.<sup>۱۳</sup>

مردمی که در یک حکومت دموکراتیک زندگی می‌کنند، اجازه دارند فکر کنند، مخالفت

نمایند و آزادانه عقاید خود را منتشر سازند و از آنجایی که در یک محیط تعصبات و اختلافات سطح فکر و نیز تعدد شکاف‌های اجتماعی مختلف وجود دارد، ممکن نیست در یک فضای آزاد تنها یک حزب سیاسی به وجود آید. حزب در نهایت به عنوان یک نهاد جامعه‌پذیری سیاسی عاملی مطمئن در افزایش آگاهی و شناخت سیاسی افراد در جامعه عمل خواهد کرد؛ عاملی که هر چند رگه‌هایی از تبلیغات و اغوا بر سیاست‌های آن در مراحل مختلف مستولی است، اما در نهایت یک شناخت نسبی از آگاهی نسبت به انتخابشان به مردم عرضه می‌نماید؛ زیرا با ایجاد رقابت، پشت صحنه سیاست برای عموم آشکار می‌گردد. بنابراین سیستم چندحزبی چنانچه به‌طور طبیعی در یک کشور شکل گیرد، مهم‌ترین ضامن تکامل دموکراسی و تثبیت آن خواهد بود و فقط حزب یا احزابی حکومت را در دست می‌گیرند که از لحاظ عرضه برنامه‌های مترقی و دموکراتیک و دانستن رهبران لایق، شایسته اعتماد مردم باشند.<sup>۱۴</sup>

سیمور مارتین لیپست در این خصوص که دموکراسی در چه شرایطی ظاهر می‌گردد، بر این نکته تاکید می‌کند که یک ملت ثروتمندتر شانس بیشتری برای حفظ و تقویت دموکراسی دارد. لیپست سه شاخصه درآمد ناخالص ملی، درصد شهرنشینی و میزان باسوادی را برای ارزیابی توسعه اقتصادی اجتماعی مطرح می‌کند. این شاخصه‌ها را می‌توان برای سه کشور تونس، مصر و سوریه مورد توجه قرار داد.

تونس با درآمد سرانه ۷۵۲۰ دلار و میزان شهرنشینی ۶۶ درصدی، بالاترین سطح توسعه اقتصادی را نسبت به مصر با درآمد سرانه ۵۰۴۲ دلار و میزان شهرنشینی ۴۳ درصدی و سوریه با درآمد سرانه ۴۲۷۶ دلار و میزان شهرنشینی ۵۴ درصدی دارد. به عقیده لیپست، این پیش‌نیازها نشان می‌دهد که تونس بهترین چشم‌انداز را برای تبدیل شدن به یک دموکراسی دارد. لیپست برای همبستگی میان آموزش و دموکراسی توجه خاصی نیز قائل است. بالاترین نرخ درصد باسوادی متعلق به سوریه است که در حدود ۸۴٪ می‌باشد، تونس حدود ۷۸٪ درصد و مصر حدود ۶۶٪ درصد است.<sup>۱۵</sup>

لیپست همچنین استدلال می‌کند باسوادی با دموکراسی در ارتباط است. از عوامل دیگری که گذار به دموکراسی را تسهیل می‌کند، نوع تعامل نیروهای درون حکومتی با نیروهای

اپوزیسیون است. در هر دو جناح هم نیروهای لیبرال و معتدل و هم نیروهای خشونت‌طلب و تندرو وجود دارد. در وضعیت دوم نیروهای میانه حاکمیت به بخش معتدل اپوزیسیون وارد گفتگو و مفاهمه می‌شود، بر سر اصلاحات توافق می‌گردد و ائتلاف نیروهای معتدل از طرف حاکمیت و اپوزیسیون باعث حرکت آرام به سمت تغییر حاکمیت و ایجاد فضای جدید به سمت دموکراسی می‌شود. مورد سوم که در آن میانه‌روها و اصلاح‌طلبان حاکمیت و اپوزیسیون با هم ائتلاف تشکیل می‌دهند و به‌نوعی تندروها را نیز در ساختار قدرت شرکت می‌دهند. اصلاحات و ایجاد شورای انتقالی بدون خشونت و از طریق فرایند دموکراسی‌سازی و با برگزاری انتخابات پیش می‌رود.<sup>۱۶</sup>

## احزاب و گروه‌های سیاسی مصر

### الف. احزاب و گروه‌های سیاسی پیش از انقلاب ۲۵ ژانویه

نظام حزبی در مصر سابقه‌ای دیرینه دارد. حزب وفد به‌عنوان قدیمی‌ترین حزب این کشور بیش از صد سال قبل علیه اشغالگری بریتانیا تأسیس شد و هنوز سنت سیاسی و فکری آن با نام‌هایی چون وفد جدید ادامه دارد، تجربه معاصر احزاب سیاسی در این کشور به سال ۱۹۷۶ باز می‌گردد که انورسادات، رئیس‌جمهور وقت، طی فرمانی دستور داد سه تریبون در درون تنها حزب سیاسی (اتحاد سوسیالیست عرب) ایجاد شود که نمایانگر گرایش‌های راست، میانه و چپ باشد. وی در ۱۱ نوامبر ۱۹۷۶ دستور داد این سه تریبون به سه حزب سیاسی تبدیل شوند. سنت نظام حزبی در مصر به‌گونه‌ای بوده است که با وجود دیکتاتوری طولانی در تاریخ آن، چه در عصر پادشاهی و چه در دوره جمهوری، حاکمان درجاتی از نظام حزبی و شبه‌حزبی را پذیرفته‌اند. حتی حسنی مبارک که خیال ریاست‌جمهوری فرزندش، جمال مبارک، را در سر می‌پروراند، ابتدا او را به مراتب بالای حزب حاکم دموکراتیک ملی رساند تا سپس مقدمات جانشینی‌اش را فراهم کند. به‌رغم وجود درجاتی از نظام حزبی در مصر، سیاست‌های مدرن جای اشکال قدیمی و سنتی رهبری و سازمان را نگرفت. به گفته جیمز بیل و رابرت اسپرینبرگ، گروه‌های غیررسمی در جوامع عرب همواره بر گروه‌های رسمی از جمله احزاب سیاسی مدرن

نفوذ و سلطه داشته‌اند. در مصر احزاب اسمی بسیاری وجود داشت، اما تسلط حزب حاکم (حزب دموکراتیک ملی) برای مدتی طولانی و همچنین عدم تمایل مخالفان برای پی‌گیری خطی واحد، سبب گردیده بود سایر احزاب نقش خود را که همان تلاش برای مشارکت سیاسی و کسب قدرت است، فراموش کرده و با قبول حزب حاکم به‌عنوان «برنده مسلم» برای کسب مقام دومی به رقابت برخیزند.<sup>۱۷</sup>

### ب. احزاب و گروه‌های سیاسی پس از انقلاب ۲۵ ژانویه

احزاب و نیروهای سیاسی در مصر نقشی اساسی در عرصه جدید سیاسی کشور پس از انقلاب ۲۵ ژانویه ایفا کرده‌اند، به‌طوری که تقاضا برای افزایش نقش احزاب بیشتر شده است. با توجه به شرایط اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی‌ای که مصر در دوران پس از انقلاب با آن مواجه بوده، برای احزاب و نیروهای سیاسی نقشی اساسی در ترسیم نظام جدید تعیین شده است. در این میان با وجود آنکه برخی بر این باورند که احزاب سنتی مصر نقش چندانی در انقلاب مصر نداشتند، می‌توان گفت عملکرد شماری از جنبش‌های ملی‌گرا و مخالفت‌های سیاسی آنان با رژیم سابق، زمینه‌ساز تحول و انتقال به مرحله انقلاب شد. احزاب و جریان‌های سیاسی کنونی مصر را می‌توان به چند دسته اصلی تقسیم کرد، اما با توجه به روند تحولات و شکل‌گیری فضایی دوقطبی در یک سال گذشته، همین امر مورد توجه قرار می‌گیرد و اختلافات احزاب و گروه‌های سیاسی بر مبنای دو عنوان یا برچسب اسلام‌گرا و لیبرال-سکولار بررسی می‌شود.

البته اختلافات میان احزاب در جریان وقایع پس از انقلاب به مسایل پارلمان خلاصه نمی‌شود. انتخاب محمد مرسی به‌عنوان رئیس‌جمهور (نامزد احزاب اسلام‌گرا) و در پی آن انتخاب هشام قنديل به‌عنوان نخست‌وزیر برای تشکیل کابینه، حرف و حدیث‌هایی به‌همراه داشت. هرچند مرسی در انتخاب معاونان خود تا حدی توانست نظر احزاب و گروه‌های سیاسی را جلب کند، با انتخاب غیرمنتظره قنديل برای پست نخست‌وزیری اعتراض احزاب مخالف را برانگیخت.<sup>۱۸</sup> شاید بررسی تعدادی از احزاب وابسته به دو جریان فکری موجود بتواند کمک شایانی به درک موضوع مورد توجه مقاله کند.



## ۱. احزاب و گروه‌های اسلام‌گرا

### الف. اخوان المسلمین

این جمعیت یکی از اثرگذارترین و بزرگ‌ترین جنبش‌های اسلام‌گرا بوده و در اکثر کشورهای عربی نمایندگی و شعبه دارد. این جنبش که توسط یک آموزگار به نام حسن البنا در ۱۹۲۸ تأسیس شد، به هنگام جنگ جهانی دوم تقریباً دو میلیون عضو داشت. افکار او مدلی از فعالیت‌های سیاسی آمیخته با اسلام و برخی اقدامات خیریه‌ای و اعانات بود. شعار معروف او این بود که اسلام تنها راه حل است. هدف تعریف شده اخوان المسلمین به‌کارگیری ترکیبی از قرآن و سنت به‌عنوان تنها نقطه مرجع در بسیاری از زمینه‌ها از جمله شیوه زندگی، تشکیلات خانوادگی و استقلال آنها حتی حوزه بزرگ‌تری چون جامعه، مسائل مالکیتی و نظایر آن است. ضمن اینکه آنها رسماً مخالفت خود را با به‌کارگیری هر نوع خشونت در رسیدن به اهدافشان اعلام می‌کنند. هرچند هم‌زمان ثابت شد شاخه نظامی آنها در قتل عام‌هایی دخالت داشته است و مواردی همچون بمب‌گذاری و ترور مقامات سیاسی و به‌طور شاخص محمود پاشا، نخست‌وزیر وقت مصر، در کارنامه‌شان وجود دارد. از سوی دیگر، آنها هم‌زمان از سوی القاعده جهت حمایتشان از انتخابات آزاد و دموکراتیک به جای جهاد مسلحانه محکوم می‌شوند.<sup>۱۹</sup>

بعد از شکست مصری‌ها در اولین جنگ اعراب و اسرائیل، دولت اخوان المسلمین را منحل و اقدام به دستگیری رهبران آن نمود. اخوان المسلمین در عکس‌العمل به این وضع در سال ۱۹۵۲ از انقلاب در مصر اعلام حمایت کرد، اما یک‌بار دیگر، پس از اقدام برای ترور جمال عبدالناصر، دولت فعالیت‌های آن را ممنوع نمود.<sup>۲۰</sup>

اعتقادات و باورهای اخوان المسلمین بر شعارهای اصلی زیر متمرکز است: خدا هدف غایی ماست، قرآن مرام‌نامه ماست، پیامبر اکرم (ص) رهبر ماست، جهاد راه ماست و مرگ در راه خدا بالاترین آرزوی ماست. اخوانی‌ها در وب سایت خود اصول پذیرفته شده خود را بر دو موضوع مبتنی می‌دانند: نخست اینکه، تکیه بر شریعت اسلامی برای جمعیت اخوان المسلمین اساسی‌ترین پایه ساختاری بوده؛ و دومین مورد متحد کردن کشورهای اسلامی و به‌ویژه عربی-اسلامی در راستای آزادسازی‌شان از زیر یوغ امپریالیسم خارجی است.<sup>۲۱</sup>

اخوان المسلمین به اصلاحات، دموکراسی و آزادی احزاب و مطبوعات معتقد است، با سیاست‌های استعماری غرب مخالفت نموده و کمک به براندازی سلاطین حامی غرب را وظیفه اصلی خود می‌داند.<sup>۲۲</sup> این جنبش در ارتباط با موضوع زنان به‌طور خاص، به تفسیر محافظه‌کارانه از اسلام می‌پردازد. از دید مؤسس اخوان المسلمین، باید یک گروه و اجتماع خاص در تقابل با پوشش نامناسب زنان و نیز رفتارهای مضر از این قبیل ایجاد شود.<sup>۲۳</sup> در نوامبر ۱۹۴۸ و به دنبال یک رشته بمب‌گذاری‌ها و سوءقصد‌ها، دولت مصر ۳۲ نفر از رهبران در سایه اخوان المسلمین را بازداشت و فعالیت‌های جنبش را ممنوع اعلام کرد. در این مقطع زمانی، تخمین زده می‌شد اخوان المسلمین از ۴۰۰۰ زیرشاخه و ۵۰۰ هزار عضو و یا هوادار سود می‌برد. پس از مدتی، نخست‌وزیر مصر توسط یکی از اعضای اخوان المسلمین ترور شد.<sup>۲۴</sup> از ۱۹۷۰ به بعد نیز اخوان المسلمین با نفی خشونت و ترور به دنبال راهی برای نفوذ به ساختار سیاسی مصر بود و به دلیل این تغییر موضع بخشی از زندانیان آزاد شدند، اما به‌طور مقطعی. در موارد مختلف با اختلال در ادامه راه خود و دستگیری‌های گاه‌گاه و ایجاد شکاف در جمعیت اخوان و مزاحمت برای سران خود روبه‌رو می‌شد.<sup>۲۵</sup>

در انتخابات پارلمانی ۲۰۰۵، نامزدهای اخوان المسلمین که به دلیل غیرقانونی بودن فعالیت‌هایشان نمی‌توانستند به صورت رسمی و حزبی در انتخابات شرکت کنند و باید به عنوان مستقل خود را جا می‌زدند، توانستند ۸۸ کرسی یعنی ۲۰ درصد کل را کسب کنند، در حالی که مخالفان رسمی فقط ۱۴ کرسی را کسب کردند. ضمن آنکه این تعداد بالای کرسی پارلمان در شرایطی حاصل شد که تقلب‌های انتخاباتی نیز مطرح شده بود. از این رو می‌توان با قاطعیت اخوان المسلمین را اولین حزب سیاسی مخالف در آغاز عصر تاریخی جدید کشور مصر دانست.<sup>۲۶</sup> با این پیروزی به نظر می‌رسید اخوان المسلمین دولت را به دولتی دموکراتیک و نه مذهبی دعوت کرده است. حتی ممکن است تلاش کند تغییرات عمده‌ای در قوانین داده و پارلمان مصر را از یک ساختار مردمی بهره‌مند کند؛ به عبارتی پارلمانی را شکل دهد که حکومت در مقابل آن و بلکه در مقابل مردم پاسخگو باشد.<sup>۲۷</sup>

در اکتبر ۲۰۰۷ اخوان المسلمین اعلامیه سیاسی مبسوط خود را منتشر کرد و در بخشی از

آن درخواست تشکیل گروهی از روحانیون جهت رصد کردن فعالیت‌های دولت و محدود کردن کارکنان ریاست جمهوری فقط به مردان را پذیرفته و آن را با دید مثبت مطرح کرد. این امر می‌تواند اشاره به این موضوع باشد که هیچ زنی نباید کاندیدای ریاست جمهوری شود.<sup>۲۸</sup>

متعاقب انقلاب ۲۰۱۱ مصر و سقوط مبارک، اخوان المسلمین به‌عنوان یک گروه دارای فعالیت‌های قانونی مطرح شد و از اصلاح قانون اساسی در مارس ۲۰۱۰ حمایت کرد. اخوان المسلمین در آوریل ۲۰۱۱ حزب جدیدی به نام حزب آزادی و عدالت به‌عنوان بازوی سیاسی و اجرایی خود تاسیس کرد که به‌دنبال تصاحب حداقل نیمی از کرسی‌های پارلمان مصر برآمد.<sup>۲۹</sup>

### ب. حزب عدالت و آزادی

حزب عدالت و آزادی یک حزب سیاسی مذهبی و به‌ظاهر مستقل به‌شمار می‌رود، اما ارتباطاتی بسیار قوی با جمعیت اخوان المسلمین مصر دارد. این حزب در انتخابات پارلمانی ۲۰۱۱ موفق به کسب ۴۷ درصد از کرسی‌های پارلمان گردید. در جریان انتخابات ریاست جمهوری، اخوان المسلمین ابتدا به‌شدت اصرار بر آن داشت که کاندیدایی معرفی نخواهد کرد، اما در نهایت این کار را انجام و محمد مرسی، رهبر حزب عدالت و آزادی، را کاندیدا نمود. در جریان برپایی حزب جدید، اخوان اعلام کرد نسبت به شرکت بانوان و قبطیان در کابینه و پست‌های وزارتی اعتراضی ندارد، ولی هر دو گروه را برای ریاست جمهوری مناسب نمی‌دانست. لازم به ذکر است که بین حزب عدالت و آزادی از یک‌سو، و سلفی‌ها از سوی دیگر رقابتی عجیب وجود دارد. سلفی‌ها معتقدند که حزب عدالت و آزادی ارزش‌های خود را تا حد بسیار زیادی پایین آورده است.<sup>۳۰</sup>

### ج. حزب الوسط

حزب الوسط جدید که به اختصار به آن الوسط گفته می‌شود، حزبی سیاسی و با تمایلات اسلامی و میانه‌رو است. این گروه ابتدا در سال ۱۹۹۶ به‌صورت انشعاب از اخوان المسلمین توسط

ابوماضی تاسیس شد و همین امر باعث شد او به عنوان شخصی با دیدگاه‌های سیاسی نازل متهم شود. این انشعاب باعث شد اخوان المسلمین ابوماضی را فردی بنامد که سعی در تکه‌تکه کردن جنبش دارد. حزب الوسط بین سال‌های ۱۹۹۶ و ۲۰۰۲ چهار بار اقدام به درخواست مجوز رسمی برای فعالیت‌های خود نمود، اما در هر ۴ مورد با مخالفت کمیته احزاب سیاسی به رهبری حزب دموکراتیک ملی روبه‌رو شد،<sup>۳۱</sup> تا اینکه مجوز رسمیت یافتن آن پس از انقلاب ۲۵ ژانویه صادر شد و در انتخابات پارلمانی و ریاست جمهوری به عنوان یکی از مؤتلفان حزب عدالت و آزادی درآمد.

## د. حزب النور

حزب النور یکی از احزاب سیاسی است که بعد از انقلاب مردمی ۲۰۱۱ شکل گرفت. این حزب ایدئولوژی اسلامی به شدت محافظه کارانه‌ای دارد که عبارت است از باور به کارگیری کامل قوانین و احکام شریعت. از این حزب به عنوان بازوی سیاسی جامعه سلفی‌ها نام برده می‌شود و اکنون تقریباً شاخص‌ترین حزب منسوب به سلفی‌هاست. در انتخابات پارلمانی ۲۰۱۱ مصر، جبهه متحد اسلامی به رهبری حزب النور با کسب ۷/۵۳۴/۲۶۶ رای از جمع کل ۲۷/۱۶۵/۱۳۵ رای، توانست ۱۲۷ کرسی از ۴۹۸ کرسی را تصاحب کند که پس از اخوان المسلمین در رتبه دوم بود، ولی خود حزب النور- به صورت مستقل- توانست ۱۱۱ کرسی از ۱۲۷ کرسی را به دست آورد.<sup>۳۲</sup>

## ۲. احزاب لیبرال و سکولار

### الف. جنبش جوانان ۶ آوریل

این جنبش در اصل یک حرکت فیس‌بوکی بوده که در بهار ۲۰۰۸ و به حمایت از کارگران محله الکبری شکل گرفت. بخش صنعتی روزنامه نیویورک تایمز از این حرکت اجتماعی به عنوان حرکت یک گروه سیاسی از نوع فیس‌بوکی آن در مصر و با بیشترین میزان پویایی یاد کرده است. نکته دیگر آنکه، همین مجموعه در ژانویه ۲۰۰۹ از عضویت حدود هفتاد هزار جوان بهره می‌برد که بسیاری از آنان هیچ‌گاه قبل از آن فعال سیاسی نبوده‌اند و هسته اصلی خواسته‌های آنها را حق اظهار نظر آزادانه، اجتناب از انتصاب افراد فامیلی و فعال‌سازی اقتصاد راكد تشکیل می‌داد.<sup>۳۳</sup>

با گذشت زمان، نوع بحث‌ها و اظهارنظرهای همان جوانان شدیدتر و داغ‌تر شد و به‌طور مرتب نظریات آنها در فیس‌بوک به‌روز می‌شد. این جنبش در مسائل نمادین و نظایر آن از سمبل مشت‌گره کرده (به تقلید از جنبش صرب‌ها) استفاده می‌کرد. هرچند این جنبش به‌دلیل نوع خاص ایجاد آن موسس خاصی نداشت. این مجموعه جدای از مباحث آنلاین درباره اوضاع کشور مصر، به سازمان‌دهی تظاهرات عمومی در ارتباط با آزاد کردن روزنامه‌نگاران زندانی مرتبط با درگیری اسرائیل غزه مربوط به سال‌های ۲۰۰۹-۲۰۰۸ دست زدند. از منظر رسمی سیاسی آنها اصرار بر این نکته داشتند که گروهشان مجموعه‌ای سیاسی نیست.<sup>۳۴</sup> با این حال، همین گروه هسته مرکزی اعتراض علیه رژیم مصر را تشکیل می‌داد و توانست مخالفت‌ها را سازمان‌دهی کند و ظرف مدت کوتاهی به سراسر کشور گسترش دهد.

در اکتبر ۲۰۱۱، گروه اقدام به راه‌اندازی کمپینی سیاسی و هشداردهنده با عنوان دو ابر سیاه و سفید نمود، با این هدف که از ورود وابستگان سیاسی رئیس‌جمهور مخلوع در مجالس خلق و مردمی پس از حسنی مبارک جلوگیری کرده و هشدار دهد. آنها در این ارتباط فهرستی تحت‌عنوان دایره سیاه متشکل از افرادی که یا اعضای حزب منحل NDP (حزب حامی رژیم) بوده و یا سابقه فساد و اختلاس‌های بزرگ داشته‌اند و فهرستی تحت‌عنوان دایره سفید شامل افراد خوش‌نام و شخصیت‌های صالح اجتماعی با امید ملاقات آنها در سمت‌های جدید پس از حسنی مبارک، منتشر نمودند.<sup>۳۵</sup>

## ب. حزب وفد جدید

حزب وفد جدید یک حزب سیاسی لیبرال است که در ۱۹۸۳ برای تجدید حیات حزب وفد تأسیس شد و تقریباً همان خط‌مشی حزب وفد سابق، مهم‌ترین حزب تاریخ مصر، را دنبال می‌کند که در سال ۱۹۲۵ منحل شده بود. ریاست حزب وفد جدید هم‌اکنون بر عهده السید بداوی، دکتر داروساز سرمایه‌دار معروف مصری، است که در ۲۸ مه ۲۰۱۰ با پیروزی بر محمود ابادر به رهبری حزب رسید. متعاقب انقلاب ۲۰۱۱، حزب وفد جدید به گروه متحدان دموکراتیک ملی برای مصر شامل اخوان‌المسلمین و حزب عدالت و آزادی مصر پیوست ولی با نزدیک شدن به مرحله

انتخابات، با ترک گروه متحد تلاش کرد به‌طور مستقل شرکت کند. جالب اینجا بود که در فرایند انتخابات مجلس خلق آنها به‌طور مستقل موفق شدند ۹/۲ درصد نتایج آرا را از آن خود کنند.<sup>۳۶</sup>

### ج. حزب الدستور

حزب الدستور مصر توسط محمد البرادعی، برنده جایزه صلح نوبل، و گروهی از روشنفکران و فعالان سیاسی هم‌فکر او در ۲۸ آوریل ۲۰۱۲ تأسیس شد. البرادعی عقیده داشت تلاش او بر محور افزایش پایگاه حزبی جهت شرکت در انتخابات چهار سال آینده است؛ چرا که تأسیس این حزب جهت فعالیت در انتخاباتی که گذشت خیلی دیر بود. حزب الدستور اتحاد همه مصریان صرف‌نظر از کیش و ایدئولوژی را جهت تضمین دموکراسی در نظر دارد. البرادعی امیدوار است بتواند مصریان به‌ویژه نسل جوان را که به‌طور مشخص در انقلاب مصر و سرنگونی حسنی مبارک نقش عمده‌ای داشتند، جذب حزب الدستور نماید.<sup>۳۷</sup>

### د. حزب کرامت

حزب کرامت حزبی چپ‌گرا، ناصریست است که در ۱۹۹۶ در مصر تأسیس شد و رهبر فعلی آن حمدین صباحی است. روزنامه رسمی حزب، *الکرامه* نام دارد که به جبهه دموکراتیک ملی برای مصر تمایل دارد. این حزب نتوانست آرای زیادی را در جریان انتخابات پارلمانی به‌دست آورد، به‌طوری که حضور آن در میان نمایندگان مجلس خلق ۶/۴۹ درصد و در میان اعضای مجلس مؤسسان ۱/۳۹ درصد است.<sup>۳۸</sup>

در همین‌جا چنانچه بر وضعیت مصر تمرکز کنیم، مشخص می‌شود جوانان انقلاب که نقش اصلی انقلاب را بر دوش داشتند، تفکر ایدئولوژیک نداشته و اسلام را به‌عنوان هویت خود در حوزه سیاست اعمال نمی‌کنند. اخوان المسلمین هم بارها اعلام کرده است در پی تشکیل حکومت اسلامی نیست.<sup>۳۹</sup>

آخرین نکته که در باب مقایسه توجه به آن ضروری به نظر می‌رسد، نگاه طیف‌های گوناگون جریان‌های اسلامی نسبت به اقلیت‌های داخلی این کشورها (به‌طورمثال قبطی‌ها) می‌باشد.

اخوان المسلمین خواستار هم‌زیستی با قبطی‌هاست و حتی خواستار عضویت قبطی‌ها در حزب عدالت و آزادی شد. در این میان، فقط حزب النور بود که ابتدا اعلام کرد باید مسیحیان جزیه بپردازند و کلیساها محدود شود و در واقع این موضع به خاطر نگاه تند آنان نسبت به مسیحیان و دیگر اقلیت‌هاست. در این بین وهابیت نه تنها با قبطی‌ها مخالف است، بلکه با بقیه اسلام‌گراها نیز مشکل دارد.<sup>۴۰</sup>

### آینده دموکراسی در مصر

دموکراسی یک روش حکومتی برای مدیریت کم‌خطا بر مردم حق‌مدار است که در آن مردم، نه فرد یا گروهی خاص، حکومت می‌کنند. تجربه تاریخی نشان می‌دهد اگر در یک دموکراسی، قانون‌گذاری دقیق برای جلوگیری از توزیع نامتوازن قدرت سیاسی صورت نگیرد (برای مثال تفکیک قوا)، یک شاخه نظام حاکم ممکن است بتواند قدرت و امکانات زیادی را در اختیار گرفته و به آن نظام دموکراتیک لطمه بزند بدون شک گونه‌های مختلفی از دموکراسی و عمدتاً با نگاه خاص کشورها و حکومت‌ها به آن وجود دارد، اما چشم‌انداز دموکراسی در خاورمیانه، و از جمله در مصر، به‌سادگی آنچه در تعاریف تئوریک می‌گنجد، نیست. در این خصوص به دو چالش اصلی ضعف زیرساخت دموکراتیک در منطقه از جمله ضعف جامعه مدنی، عدم اعتقاد به اصول دموکراتیک مانند رسانه‌های آزاد، نظام پارلمانی و غیره و همچنین دخالت قدرت‌های خارجی می‌توان اشاره کرد. در واقع با توجه به مفاهیم دموکراسی از یک‌سو و ساختار کشورهای عربی از دیگر سو، این موانع به‌شدت پررنگ جلوه می‌کنند.<sup>۴۱</sup>

### ضعف زیرساخت‌های دموکراتیک

به دلیل استبداد و خفقان حاکم در طول دهه‌های متمادی، اصولاً زیرساخت‌های لازم برای حاکمیت مردم در این کشورها وجود ندارد و یا بسیار ضعیف است. از جمله الزامات اساسی مردم‌سالاری، آگاهی مردم نسبت به حقوق خود، تحمل‌پذیری و اعتقاد راسخ به داشتن حق رای برای کل آحاد جامعه، رسانه‌های آزاد و قابل رقابت، گسترش نهادهای مدنی، برقراری نظام

پارلمانی و شورایی، اقتصاد آزاد و دستگاه قضایی مستقل است. منطقه خاورمیانه عربی هیچ‌گاه شاهد مشارکت سیاسی نهادینه شده از سوی جامعه نبوده و ضعف و عقب‌ماندگی جامعه مدنی در این کشورها مورد اتفاق نظر همه محققان است. فرهنگ پدرسالاری، شخصیت‌پرستی، استبدادپذیری و اقتدارگرایی کاملاً در تقابل با مفهوم دموکراسی است. شهروندان خاورمیانه در اغلب نظام‌های سیاسی خود تمایل زیادی به رعایت حقوق بشر از خود نشان نمی‌دهند. بسیاری از آنان خواهان بذل عنایت حاکمان در تحول معیشت روزمره‌شان هستند. دغدغه اصلی بسیاری از شهروندان در کشورهای عربی تامین معاش و امنیت است، لذا فرصت شناخت حقوق اساسی و حقوق ملی و جهانی خود را از دست داده و بسیار دیر به فکر حقوق شهروندی خود می‌افتند. در بین کشورهای خاورمیانه عربی، به نظر می‌رسد مصر پیش‌تاز سایر کشورهای عربی است؛ زیرا دارای قانون اساسی مدون، احزاب نیم‌بند و تجربه انتخاباتی بوده و در دوران گذشته نیز رسانه‌های متعدد در آن وجود داشته است. همچنین برخی از نهادهای مدنی فعال وجود داشته و جریان اسلام‌گرایی میانه‌رو در آن نیرومند است. همچنان که نتایج انتخابات پارلمانی و ریاست‌جمهوری نشان داد، علاقه عمومی به مشارکت سیاسی تا حد قابل توجهی به چشم می‌خورد. با وجود این، نظامی‌ها همچنان مانع استقرار و تثبیت یک دموکراسی واقعی در مصر هستند. در بین اسلام‌گرایان نیز اختلافات جدی وجود دارد. سلفی‌ها که در نهایت به قواعد دموکراسی باوری ندارند، به حد بالایی از آرا دست یافته‌اند و احتمالاً در میان‌مدت با اخوان‌المسلمین درگیر خواهند شد.<sup>۴۲</sup>

### دخالت قدرت‌های خارجی در خاورمیانه

مانع عمده دیگر استقرار مردم‌سالاری در کشورهای عربی خاورمیانه، دخالت قدرت‌های بیگانه است. قدرت‌های جهانی تلاش می‌کنند نخست با حفظ رژیم‌های موجود آنان را وادار به برخی اصلاحات سیاسی نمایند؛ دوم در صورت گسترش اعتراضات مردمی، با تمام توان از رژیم‌های دیکتاتوری حمایت می‌کنند؛ و در نهایت هنگامی که از سقوط دیکتاتوراطمینان یافتند، تلاش می‌کنند اعتراضات مردمی را مدیریت کرده و در شکل‌گیری حکومت جدید دخالت نمایند.<sup>۴۳</sup>



به نظر می‌رسد اقتدار محمد مرسی و اخوان المسلمین در مصر تثبیت شده است، اما تضمینی برای تداوم آن وجود ندارد، همان‌گونه که برکناری رهبران پیشین ارتش کاملاً غیرمنتظره بود. در کشوری همچون مصر حتی بایستی در هر لحظه منتظر واکنشی از سوی ارتش در جهت توازن قوا بود. به‌طور قطع از دسته‌بندی در ارتش مصر نیز نمی‌توان چشم‌پوشی کرد. ژنرال عبدالفتاح السیسی، فرمانده ارتش مصر، دانش‌آموخته مقطع کارشناسی ارشد در دانشکده جنگ وزارت دفاع آمریکا است.<sup>۴۴</sup> او برخلاف طنطاوی که در شوروی سابق آموزش دیده بود، فنون نظامی را بر اساس بینش آمریکایی آموخته است. او جوان‌ترین عضو شورای فرماندهی نظامی مصر و سال‌ها رئیس اطلاعات ارتش بود. از آنجایی که سمت پیشین وی نقش مهم در ارتقا و چینش مأمورین در سطوح مختلف ارتش داشته است، می‌توان حدس زد اکثر نیروهای نظامی مصر به وی وفادار باشند. همچنین او از حمایت و نظر مثبت دولت آمریکا و به‌خصوص مقامات نظامی آن کشور برخوردار است. این فاکتور با توجه به همکاری‌های بالای تسلیحاتی، مالی و آموزشی بین ارتش‌های آمریکا و مصر اهمیت زیادی دارد. وی در عین حال به بخش ناراضی ارتش مصر تعلق داشت که شاهد اتلاف مبالغ هنگفت پای پروژه‌های بی‌حاصل بود که در عین حال جیب برخی از فرماندهان ارشد را پر می‌کرد. او امید آن بخش از نیروهای متعهد ارتش مصر است تا از این پس ارتشاء و فساد در ارتش به حداقل رسیده و منابع آن صرف تقویت قدرت دفاعی و نظامی مصر گردد.<sup>۴۵</sup>

پی‌گیری تحولات بیست ماهه اخیر مصر، نشان می‌دهد توازن قوا در صحنه سیاسی به نفع اخوان المسلمین و اسلام‌گرایان تغییر پیدا کرده و ظاهراً ارتش به‌عنوان یک عامل بازدارنده و مخالف، از صحنه کنار رفته است. در وهله نخست پایان دوگانگی قدرت در نظم سیاسی، امر مثبتی به نظر می‌رسد که موجب ثبات سیاسی می‌شود. کنار رفتن نظامیان از سیاست و به‌خصوص واگذاری قدرت از سوی شورای نظامی ارتش مصر، از مطالبات و اهداف اصلی انقلاب بوده است. حضور نظامیان در ساخت سیاسی مصر از دوره ناصر تاکنون هم از پشتوانه‌های اقتدارگرایی سیاسی بوده و هم نقش زیادی در کنترل اقتصاد فاسد کشور داشته است. تکوین دموکراسی پایدار در مصر نیازمند بی‌طرفی ارتش است. از این رو تسلیم ارتش در برابر یک مقام انتخابی، به‌خودی‌خود رویدادی مثبت در روند دموکراسی است.<sup>۴۶</sup>

با این حال، وقوع رویدادهایی چند نشانگر مخاطرات پیش رو است؛ به عنوان نمونه می توان به رقابت های انتخابات ریاست جمهوری (۲۰۱۲) و تقلب هایی اشاره کرد که در دوره اول آن به نفع احمد شفیق صورت گرفت و به عقیده بسیاری از افراد اخوان المسلمین از سوی شورای نظامی مصر برنامه ریزی شده بود. مورد بعدی انحلال پارلمان مصر توسط شورای نظامی این کشور بود. در این خصوص این شورا این نهاد انتخابی را که به نوعی اولین نمایندگان مردم مصر پس از انقلاب بوده اند، منحل نمود. همچنین دادگاه عالی قانون اساسی مصر طی دو حکم جداگانه، از یک سو صلاحیت یک سوم نمایندگان مجلس الشعب را ابطال کرد که اکثر آنها نمایندگان جریان اسلام گرا از جماعت اخوان المسلمین بودند، و از سوی دیگر بر لازم الاجرا نبودن قانون برکناری سیاسی حکم داد تا احمد شفیق، آخرین نخست وزیر حسنی مبارک، همچنان در کورس رقابت های انتخاباتی قرار داشته باشد که در این خصوص احزاب وابسته به اخوان المسلمین مردم را به نشانه اعتراض به خیابان دعوت کردند.<sup>۴۷</sup>

بنابراین آینده دموکراسی در مصر اکنون و تا حدود زیادی به رفتارهای سیاسی اخوان المسلمین بستگی دارد. بررسی مواضع اخوان و شرایط مصر نشان می دهد انتظار تبعیت اخوان از یکی از الگوهای موجود در منطقه، منطقی نیست و به احتمال زیاد شکلی جدید از حکمرانی در مصر بروز پیدا می کند. این مدل را باید بین ترکیه و جمهوری اسلامی ایران جستجو کرد. دموکراسی در مصر با موانع مهمی روبه رو است، اما در عین حال احتمال غلبه بر موانع نیز کم نیست. ولی اگر دموکراسی را فرایندی بدانیم که هیچ گاه انتها ندارد، نباید انتظار داشت در مصر دموکراسی مانند کشورهای غربی به سرعت شکل بگیرد.<sup>۴۸</sup>

نکته اینجاست که چپ ها، ناصریست ها، نیروهای هوادار نظام گذشته، لیبرال ها و اقلیت های مذهبی که نگران قدرت گرفتن اخوان هستند، پایگاهی قوی در داخل جامعه مصر ندارند و تنها ائتلاف آنها می تواند احتمالا توازن قوایی ایجاد کند. این نیروها در انتخابات گذشته تفرق زیادی با هم داشتند. توجه به این عامل، خوش بینی برای حضور یک پارچه و اثرگذار آنان را با تردیدهای جدی مواجه می سازد.

وجود تنوع و تکثر در داخل اخوان و به خصوص تمایل جوانان به تغییر ساختار مرکز گرای

تصمیم‌گیری، دیگر وجه مثبت اخوان برای پیشبرد دموکراسی است. اخوان در سالیان جدید توجه خاصی در خصوص سازگاری اسلام و دموکراسی نشان داده است.<sup>۴۹</sup> یکی دیگر از موارد چالش‌برانگیز، شاخه شبه‌نظامی اخوان‌المسلمین است. برخی از نیروهای مخالف مدعی هستند که شبه‌نظامیان اخوانی به ضرب و شتم و اعمال خشونت علیه مخالفان رییس‌جمهور دست می‌زنند. به‌عنوان مثال تجمع‌کنندگان در مقابل کاخ ریاست جمهوری را مورد حمله قرار داده و یا به استودیو و شبکه تلویزیونی منتقد مرسی حمله کرده‌اند.<sup>۵۰</sup>

در هر صورت، ساختار نظام حزبی توانسته است در طی این قرن خود را حفظ کند، هرچند در برهه‌هایی دچار پارادوکس عمل و نفس شکل‌گیری آن بوده است. احزاب طی یک‌سال‌ونیم گذشته برنامه‌ها و سیاست‌های خود را با به خیابان کشاندن مردم پیش می‌بردند، اما امروز باید بدانند در شرایطی که پارلمان، کابینه و سایر نهادهای مدنی شکل گرفته‌اند، ادامه چنین رویکردی (هرچند در بعضی موارد گریزناپذیر و از حقوق احزاب به‌شمار می‌رود) نه تنها کار را به سرانجام نخواهد رسانید، بلکه شاید زمینه بدبینی جامعه را به ساختار حزبی فراهم آورد؛ ساختاری که تکیه بر آن برابر است با درخواست و حصول خواسته‌ها در چارچوب قانون که با نظم تشکیلاتی در پی‌گیری خواسته‌های مدنی، اقتصادی، فرهنگی و سیاسی آنها همراه خواهد بود، نه شلوغ‌بازی‌های سیاسی که در نهایت به آشفتگی بیش از پیش کشور منجر شده و یا خواهد شد. دغدغه جامعه مصر این روزها قبل از آنکه درگیری‌های حزبی و جناحی و حل آنها در خیابان‌ها باشد، بیشتر حل مشکلات اقتصادی-اجتماعی مردم مصر است.<sup>۵۱</sup>

### نتیجه‌گیری

اگر محور اصلی بحث را دموکراسی در منطقه خاورمیانه عربی به‌طور عام و در مصر به‌طور خاص بدانیم، به حوزه وسیع دیگری خواهیم رسید و آن این است که در جهان امروز دموکراتیک شدن امری ناگزیر بوده و طبیعتاً دولت‌ها و ملت‌های عربی نیز منافع خود را دنبال می‌کنند. در نتیجه‌گیری نهایی در باب آینده دموکراسی در مصر، بایستی متذکر شد نخست هر حزبی که دارای برنامه، طرح و جدول فعالیت منظم و زمان‌بندی شده باشد در راستای دستیابی به دموکراسی موفق‌تر خواهد بود،

و در مرتبه دوم نکته مشترکی که همه متفق القول به آن معترفند آن است که چه بخواهیم و چه نخواهیم، گفتمان غالب همه اندیشه‌های سیاسی دنیا بر مدار مردم‌سالاری و احترام به حقوق شهروندی می‌گردد. هیچ حزبی ولو دینی، به جز دست زدن به انطباق رفتار و مرام خود با مبانی دموکراسی، نمی‌تواند پایگاه اجتماعی خود را حفظ کند. بنابراین، آینده دموکراسی در مصر در درجه اول به رویارویی اسلام‌گرایان میانه‌رو و افراطی و البته با شانس بیشتر میانه‌روها و از سوی دیگر، با توجه به آنچه اخوان المسلمین میانه‌رو، طی سال‌های حکومت خود خواهد کرد، وابسته خواهد بود. به همین دلیل شاید ورای تفکرات سیاسی، اخوانی‌ها می‌بایست به جای تکیه بر مدل‌های پر حجم تبلیغاتی، توجه ویژه‌ای به بالا بردن استانداردهای اقتصادی زندگی مردم داشته باشند.

با توجه به این وضعیت می‌توان گفت دموکراسی در مصر با چالش‌ها و موانع مهمی روبه‌رو است، ولی اگر دموکراسی را فرایندی بدانیم که همواره در حال تکمیل خود است، نباید انتظار داشت در مصر دموکراسی به سرعت تثبیت شود. در چشم‌انداز مصر دست‌کم یک دموکراسی حداقلی قابل حصول است تا به تدریج با گسترش آموزش و ریشه دواندن فرهنگ حقوق شهروندی به دموکراسی متعارف ارتقا یابد. در این میان، رفتار احزاب سکولار و پرهیز آنها از افراط و تفریط نیز نقشی مهم در گسترش دموکراسی در مصر دارد.

جدول شماره ۱. مهم‌ترین احزاب اسلام‌گرا در مصر پس از انقلاب ۲۵ ژانویه

| ردیف | نام حزب         | جهت‌گیری اجتماعی       | جهت‌گیری اقتصادی | تاریخ تأسیس            | انقلاب مصر                | حامیان                             |
|------|-----------------|------------------------|------------------|------------------------|---------------------------|------------------------------------|
| ۱    | سازندگی و توسعه | اسلام‌گرایی محافظه‌کار | راست             | ۲۰۱۱/۶/۲۰              | -                         | -                                  |
| ۲    | الوسطا          | اسلام‌گرایی میانه‌رو   | اعتدال           | ۱۹۹۶/رسمیت در سال ۲۰۱۱ | حامی                      | لیبرال‌های بریده از اخوان المسلمین |
| ۳    | النور           | اسلام‌گرایی محافظه‌کار | راست             | ۲۰۱۱                   | غیرحامی و در مواردی مخالف | سلفی‌ها                            |
| ۴    | آزادی و عدالت   | اسلام‌گرایی میانه‌رو   | راست             | ۲۱/۲/۲۰۱۱              | حامی                      | اخوان المسلمین                     |
| ۵    | تبار مصر        | اسلام‌گرایی میانه‌رو   | -                | ۲۰۱۲                   | حامی                      | بخشی از اخوان المسلمین             |

جدول شماره ۲. احزاب سکولار و لیبرال در مصر —————→

| ردیف | نام حزب                 | جهت‌گیری اجتماعی | جهت‌گیری اقتصادی | تاریخ تأسیس | نقش در انقلاب مصر | حامیان                    |
|------|-------------------------|------------------|------------------|-------------|-------------------|---------------------------|
| ۱    | سازندگی                 | سکولار           | -                | ۲۰۱۲        | حامی              | البرادعی                  |
| ۲    | حیات                    | لیبرال           | اعتدال           | ۲۰۱۱        | ***               | قبیله‌ها                  |
| ۳    | وحدت<br>دموکراتیک مصر   | میانه رو         | اعتدال           | ۲۰۱۲        | -                 | -                         |
| ۴    | اتحاد مصر العربی        | -                | ***              | ۲۰۱۱        | -                 | -                         |
| ۵    | عدالت                   | لیبرال           | ***              | ۲۰۱۱        | حامی              | جنبش ششم آوریل<br>و کفایه |
| ۶    | عربی دموکراتیک<br>ناصری | ناصریستی         | چپ               | ۱۹۹۲/۴/۱۹   | -                 | -                         |
| ۷    | کرامت                   | ناصریستی         | ***              | -           | حامی              | ناصریست‌ها                |
| ۸    | سوسیال<br>دموکراتیک مصر | لیبرال           | چپ میانه         | ۲۰۱۱        | -                 | -                         |
| ۹    | آزادگان مصر             | لیبرال           | اعتدال           | ۲۰۱۱        | حامی              | -                         |

—————> (ادامه جدول ۲) احزاب سکولار و لیبرال در مصر

| ردیف | نام حزب               | جهت گیری اجتماعی                  | جهت گیری اقتصادی | تاریخ تأسیس | نقش در انقلاب مصر | حامیان |
|------|-----------------------|-----------------------------------|------------------|-------------|-------------------|--------|
| ۱۰   | دستور اجتماعی مصر     | ***                               | ***              | ۲۰۰۴/۱/۲۴   | -                 | -      |
| ۱۱   | آزادی مصر             | لیبرال                            | میانه            | ۲۰۱۱/۵/۱۸   | حامی              | -      |
| ۱۲   | وقد جدید              | لیبرال با گرایش های محافظه کارانه | راست میانه       | ۱۹۷۸/۲/۴    | حامی              | -      |
| ۱۳   | اتحاد سوسیالیست مردمی | سوسیالیستی                        | چپ               | ۲۰۱۱        | -                 | -      |
| ۱۴   | رفرم و توسعه          | محافظه کار                        | راست             | ۲۰۱۱        | حامی              | -      |
| ۱۵   | سوسیالیست مصر         | سوسیالیستی                        | چپ               | ۲۰۱۱        | -                 | -      |
| ۱۶   | الغد                  | لیبرال                            | میانه            | ۲۰۱۱/۱۰/۹   | حامی              | -      |
| ۱۷   | دموکراتیک کارگران     | سوسیالیزم                         | چپ               | ۲۰۱۱        | -                 | -      |

جدول شماره ۳. جمعیت‌ها و گروه‌های شناخته شده مصر

| ردیف | نام گروه                      | دیدگاه مذهبی        | وضعیت رسمی و قانونی | تاریخ تأسیس |
|------|-------------------------------|---------------------|---------------------|-------------|
| ۱    | حرکت جوانان شش آوریل          | سکولار              | ثبت نشده            | ۲۰۰۸        |
| ۲    | کفایه                         | سکولار              | ثبت نشده            | ۲۰۰۴        |
| ۳    | حرکت مردمی برای اصلاح و تغییر | نامعلوم             | در انتظار تأیید     | نامعلوم     |
| ۴    | جمعیت اخوان المسلمین          | اسلام‌گرای میانه‌رو | ثبت نشده            | ۱۹۲۸        |
| ۵    | جمعیت مردم برای تغییر         | لیبرال              | ثبت نشده            | ۲۰۱۰        |

www.wikipecti



#### پاورقی‌ها:

۱. مختار حسینی و دیگران، *برآورد/استراتژیک مصر*، تهران: مؤسسه ابرار معاصر تهران، ۱۳۸۱، ص ۱۷.
۲. مختار حسینی، پیشین، ص ۶۵.
۳. همان، ص ۱۱۹.
۴. سیمور مارتین لیپست، *دایره‌المعارف دموکراسی*، ترجمه کامران فانی و نورالله مرادی، تهران: وزارت امور خارجه، ۱۳۸۳، ص ۶۰۲.
۵. حسینعلی نودری، *احزاب سیاسی و نظام‌های حزبی*، تهران: نشر گسترده، ۱۳۸۰، ص ۴۳.
۶. کرافورد براون مکفرسون، *زندگی و زمانه دموکراسی لیبرال*، ترجمه: مسعود پدرام، تهران: نشر نی، ۱۳۷۶، ص ۴۳.
۷. ولی‌الله یوسفیه، *احزاب سیاسی*، تهران: مؤسسه مطبوعاتی عطایی، ۱۳۵۱، ص ۶۶.
۸. سیمور مارتین لیپست، پیشین، ص ۶۰۸.
۹. همان، ص ۶۰۴.
۱۰. همان، ص ۱۱۲.
11. Leon P. Epstein, *Political Parties in Western Democracies*, New Barn Wick, N. J. Transaction, 1989, p. 154.
۱۲. کارل کوهن، *دموکراسی*، ترجمه: فریبرز مجیدی، تهران: خوارزمی، ۱۳۷۲، ص ۴۷.
13. Michael J. Laver and W. Ben Hant, *Policy and Party Competiton*, London: Rout ledge, 1992, p. 110.
14. Leon P. Epstein, op.cit., p. 169.
15. available at: <http://www.factbook.com>, 16 October 2012.
16. available at: <http://www.fa.merc.ir>, 26 August 2012.
17. available at: <http://www.kurdpress.com>, 21 July 2012.
18. available at: <http://www.fa.merc.ir>, 26 August 2012.
19. brayajarcos, lia, The soeity of M. B in Egypt, 2006, p:13, available at: <http://www.wikipedia.en>, 2012/5/17.
20. Ghattas Kim, "Crackdown in Egypt," 2005, p. 10, available at: <http://www.wikepedia.en>, 2012/5/17.
21. Dr. Mohamed EL- Sayed Habib, "In Focus: The Dilemma of Egypt's Liberals," *Daily News Egypt*, Egyptian Media Services, 2011, p. 97.
22. Davidson Lawrence, *Islamic Fundamentalism*, Greenwood Press, 1998, pp. 97-98.
23. Charles Wendell, "Toward the Light," 1978, p. 126, available at: <http://www.wikipedia.en>, 2012/5/17.
24. Robin Wright, "Islamic Democrats," 2008, pp. 6-8, available at: <http://www.wikepedia.en>, 2012/5/17.
25. Ibid.
26. James Trub, "Islamic Democrat?," *New York Times*, 2007, p. 15.
27. Samer Shahata, "Brotherhood Goes to Parliament," The British University in Egypt, Middle East Report, 2009, p.15.
28. John Bradley, *Inside Egypt*, Macmillan Press, 2008, p. 65.
29. Leila Fadel, "Egypt's Muslem Brotherhood Could be Unraveling," 2011, p.11.
30. Zeid, AL-Noman, "Ikhwan in America," 2011, pp. 17-19, available at: <http://www.wikipedia.en>, 2012/5/17.

31. Ibid.
32. available at: <http://www. Alnourparty. org>, 2012/5/17 .
33. Samantha M. Shapiro, *Revolution, Facebook–Style*, The New York Times Company, 2009.
34. Liam Stack, Egypt Detains Facebook Activists Again, 30 July 2008.
35. “Egypt: Investigate Arrests of Activists,” Journalists UNHCR, 2011.
36. “Brotherhood to Run in Egypt Polls,” AL Jazeera English, 9 October 2010, Retrieved 28 June 2011.
37. BBC News, Baradei Launches New Egyptian Party but too Late for Election, 28 April 2012 .
38. AL- Karama (Diginty Party), Carnegie Endowment, 15 April 2012 .
39. available at: <http://www. peace. ipse. org>, 26 August 2012 .
40. available at: <http://www. wikipedia. com>, 26 August 2012 .
41. available at: <http://www. baztabm. ir>, 5 September 2012 .
42. available at: <http://www. fa. alalam. ir>, 12 September 2012 .
43. available at: <http://www. fa. merc. ir>, 26 August 2012 .
44. available at: <http://www. wikipedia. com>, 26 August 2012 .
45. available at: <http://www. fa. alalam. ir>, 12 September 2012 .
46. Ibid.
47. available at: <http://www. yjc. ir>, 5 September 2012 .
48. available at: <http://www. bultannews. com>, 5 September 2012 .
49. Ibid.
50. Ibid.
51. available at: <http://www. kurdpress. com>, 21 July 2012 .